

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

والحمد لله القاصم الجبارین



اندیشکده قرار

تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها یکی از اهداف اصلی مقاومت است. فهمیدن این فرصتی که در دل تهدیدها نهفته است، نیاز به مطالعاتی علمی، روش‌مند و در عین حال هدفمند و با دغدغه دارد. مطالعاتی ساختاریافته که به دنبال رسیدن به هدفی مشخص در میدان باشد، از پرداختن بیش از اندازه به کلیات و تحلیل‌های بدون مستندات دقیق اجتناب کند، محدودیت‌های میدانی را بشناسد و از اطناب آکادمیک اجتناب کند. اندیشکده قرار تلاش دارد این نیاز حیاتی جبهه مقاومت را برطرف سازد و به محلی برای همگرایی مطالعات ساختاریافته و هدفمند در زمینه مقاومت و استعمار در منطقه غرب آسیا تبدیل شود.

شبکه نخبگان و قدرت دانش بنیان؛ راهبرد اسرائیل برای نفوذ جهانی

اگر در گذشته اشغال سرزمین‌ها ابزار اصلی سلطه بود، امروز وابسته‌سازی کشورها از طریق اقتصاد، دانش و فناوری همان نقش را ایفا می‌کند. رژیم صهیونیستی نیز با آگاهی از محدودیت‌های جغرافیایی، جمعیتی و منابع طبیعی خود، راهبردی را در پیش گرفته که محور اصلی آن تولید و مدیریت وابستگی‌های جهانی از طریق نیروی انسانی متخصص و دانش فناورانه است. به نظر می‌رسد آنچه امروزه به‌عنوان «شبکه نخبگان» و «قدرت دانش بنیان» اسرائیل شناخته می‌شود، صرفاً یک مزیت اقتصادی یا فناورانه نیست، بلکه بخشی از پروژه‌ای نظام‌مند برای گسترش نفوذ و ایجاد وابستگی از مسیر «تله دانش» به شمار می‌رود.

این راهبرد در سه سطح عملیاتی می‌شود: نخست، جذب و پرورش استعدادها برتر در داخل و خارج؛ دوم، استقرار در بخش‌های بالادستی زنجیره ارزش جهانی (طراحی، الگوریتم، مالکیت فکری)؛ و سوم، ایجاد شبکه‌ای از متخصصان مهاجر که به جای گسست از اسرائیل، حلقه‌های نفوذ آن را در مراکز تصمیم‌گیری فناوری و سرمایه‌گذاری جهان گسترش می‌دهند. نتیجه آنکه بسیاری از کشورها - به ویژه در منطقه غرب آسیا - به تدریج به مصرف‌کننده یا مونتاژکننده فناوری‌هایی تبدیل می‌شوند که مالکیت فکری و کنترل اطلاعاتی آنها در اختیار اسرائیل است.

نکته حساس و در عین حال نگران‌کننده این است که این وابستگی، برخلاف وابستگی‌های نظامی یا اقتصادی، نامرئی، پایدار و خودبازتولیدشونده است. کشوری که به اکوسیستم نوآوری اسرائیل متکی شود، نه تنها در کوتاه‌مدت از دسترسی به فناوری محروم نمی‌گردد، بلکه در میان‌مدت و بلندمدت به گونه‌ای ساختاری در زنجیره فناوری جهانی «بازیکنی درجه دو» خواهد شد. به همین دلیل، اندیشکده قرار با تمرکز بر این آسیب‌پذیری راهبردی، هشدار می‌دهد که مواجهه صرفاً نظامی یا اقتصادی با رژیم صهیونیستی کافی نیست؛ بلکه ضروری است کشورهای هدف، ضمن شناسایی شبکه‌های نفوذ دانش بنیان اسرائیل، به طور موازی به سمت بومی‌سازی زنجیره نوآوری و قطع وابستگی‌های فناورانه گام بردارند.

این یادداشت تلاش می‌کند نشان دهد که چگونه «مغزها» به‌طور هم‌زمان هم مهم‌ترین منبع قدرت اسرائیل و هم یکی از نقاط ضعف آن شده‌اند؛ و اینکه شناخت این تناقض چگونه می‌تواند راه‌هایی هوشمندانه برای مواجهه با سلطه مبتنی بر دانش اسرائیل پیش روی ما بگذارد.

وابستگی‌سازی جهانی از مسیر تله دانش

اسرائیل از طریق نیروی انسانی متخصص و دانش تولیدشده توسط آن‌ها، شبکه‌ای از وابستگی در سطح بین‌المللی ایجاد کرده است؛ چیزی که می‌توان آن را «وابستگی مبتنی بر دانش» (Knowledge-Based Dependency) نامید. در این چارچوب، توسعه اقتصادی رژیم بیش از هر چیز بر تولید دانش، نوآوری و فناوری‌های پیشرفته بنا شده است. ترکیب این ظرفیت دانشی با شبکه‌سازی نخبگان، حضور در حلقه‌های کلیدی نوآوری و پیوند با جریان‌های جهانی سرمایه، به شکل‌گیری مجموعه‌ای از وابستگی‌های فناورانه، امنیتی و مالی در مقیاس بین‌المللی انجامیده است. در چنین شرایطی، مهاجرت نخبگان لزوماً به معنای خروج از چرخه اثرگذاری نیست، بلکه در

بسیاری موارد به گسترش دامنه نفوذ جهانی این شبکه منجر می‌شود. این ارتباطات، جریان انتقال فناوری، جذب سرمایه و شکل‌گیری همکاری‌های بین‌المللی را نیز تسهیل می‌کند.

این وابستگی در سه سطح صورت می‌گیرد:

۱. وابستگی فناورانه (Technological Dependency): اسرائیل در سال‌های اخیر به یکی از مراکز مهم تحقیق و توسعه فناوری‌های پیشرفته در جهان تبدیل شده است. بخش قابل‌توجهی از این جایگاه به نیروی انسانی متخصصی برمی‌گردد که بسیاری از آن‌ها آموزش خود را در یگان‌های نخبه ارتش مانند ۸۲۰۰، ۸۱ و ۹۹۰۰ گذرانده‌اند. براساس گزارش Startup Nation Central در سال ۲۰۲۴، حدود ۴۳۴ مرکز تحقیق و توسعه شرکت‌های چندملیتی (MNCs) در اسرائیل فعال بوده‌اند که یک‌سوم نیروی کار تخصصی را جذب کرده‌اند. شرکت‌هایی مانند اینتل، گوگل، اپل و مایکروسافت بخشی از طراحی و توسعه محصولات راهبردی خود را در اسرائیل انجام می‌دهند. برای نمونه، نسل‌هایی از پردازنده‌های Core اینتل با مشارکت تیم‌های مهندسی در حیفا توسعه یافته‌اند. این وضعیت نشان می‌دهد اسرائیل به یکی از حلقه‌های مهم زنجیره جهانی نوآوری تبدیل شده است؛ تا جایی که حتی در شرایط جنگی یا بی‌ثباتی، بسیاری از شرکت‌ها مراکز تحقیق و توسعه خود را در سرزمین‌های اشغالی حفظ می‌کنند.

صنعت نیمه‌رساناها نمونه بارز دیگری از این جایگاه است. اسرائیل به جای تمرکز بر تولید انبوه تراشه (که نیاز به سرمایه، انرژی و نیروی کار زیادی دارد)، بر بخش‌های دانش‌محور زنجیره ارزش، از جمله طراحی تراشه و تجهیزات اندازه‌گیری و بازرسی، متمرکز شده است. شرکت‌هایی مانند Mobileye، Mellanox و Habana Labs در حوزه طراحی تراشه و سامانه‌های پردازش پیشرفته نقش مهمی ایفا کرده‌اند و شرکت‌هایی مانند Nova و Camtek نیز در توسعه تجهیزات کنترل کیفیت و بازرسی تراشه‌ها جایگاه قابل‌توجهی دارند. به همین دلیل، هرگونه اختلال گسترده و پایدار در دسترسی به نیروی انسانی متخصص این اکوسیستم می‌تواند بر بخشی از زنجیره جهانی نوآوری و توسعه محصولات پیشرفته تأثیر بگذارد و هزینه‌های قابل‌توجهی را به شرکت‌های بین‌المللی تحمیل کند.

۲. وابستگی امنیتی (Cyber Dependency): اسرائیل طی دو دهه گذشته به یکی از قطب‌های اصلی صنعت امنیت سایبری جهان تبدیل شده است. بسیاری از محصولات و خدمات امنیتی مورد استفاده در بانک‌ها، شرکت‌های بزرگ، زیرساخت‌های حیاتی و سازمان‌های دولتی دنیا توسط شرکت‌های اسرائیلی یا شرکت‌هایی با بنیان‌گذاران اسرائیلی توسعه یافته‌اند.

شرکت‌هایی نظیر Palo Alto Networks، CyberArk، Wiz، Check Point و Palo Alto Networks نمونه‌هایی از این جایگاه هستند. خرید شرکت Wiz توسط گوگل نیز نشان‌دهنده اهمیت راهبردی فناوری‌های امنیت سایبری توسعه‌یافته در این اکوسیستم است. در نتیجه، بخشی از امنیت دیجیتال اقتصادهای پیشرفته دنیا به نوآوری و تخصص این اکوسیستم گره خورده است.

۳. وابستگی مالی (Financial Dependency): زیست‌بوم فناوری اسرائیل در چند دهه گذشته به یکی از مقاصد مهم سرمایه‌گذاری خطرپذیر در جهان تبدیل شده است. صندوق‌های سرمایه‌گذاری آمریکایی و اروپایی بخش بزرگی از سرمایه خود را وارد شرکت‌های نوپای اسرائیلی کرده‌اند و بسیاری از موفق‌ترین خروج‌های سرمایه‌گذاری (Exits) در حوزه فناوری نیز از دل این اکوسیستم شکل گرفته است. در نتیجه، اسرائیل تنها یک بازیگر حوزه فناوری نیست، بلکه به‌عنوان گره مهمی در شبکه جهانی نوآوری و سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود. براساس داده‌های سازمان نوآوری اسرائیل (IIA) در سال ۲۰۲۴، شرکت‌های چندملیتی ۴۰ درصد از کل هزینه‌های تحقیق و توسعه را به خود اختصاص داده و ۶۰ درصد از صادرات فناوری پیشرفته اسرائیل برعهده داشته‌اند و نسبت به شرکت‌های

محلی رژیم ۲۰ درصد بهره‌وری بالاتر را ثبت کرده‌اند. این سطح از درهم‌تنیدگی اقتصاد و فناوری باعث شده است که هرگونه اختلال جدی در عملکرد این اکوسیستم، نه تنها بر اقتصاد اسرائیل، بلکه بر بخشی از زنجیره جهانی نوآوری، سرمایه‌گذاری و توسعه فناوری نیز تأثیرگذار باشد.

یکی از نتایج بلندمدت این مدل آن است که بسیاری از کشورها به تدریج به محل تولید، مونتاژ، استقرار یا مصرف فناوری‌هایی تبدیل می‌شوند که بخش اصلی ارزش آن فناوری‌ها یعنی طراحی، الگوریتم‌ها و مالکیت فکری در اختیار اسرائیل است. به بیان دیگر، اسرائیل با استفاده از شبکه نیروی انسانی متخصص تلاش کرده در بخش‌هایی از زنجیره ارزش جهانی مستقر شود که بیشترین سهم از ارزش افزوده را تولید می‌کنند؛ یعنی تولید دانش، طراحی فناوری و مالکیت فکری. در مقابل، بسیاری از بازیگران دیگر نقش تولیدکننده، بهره‌بردار یا مصرف‌کننده فناوری را بر عهده می‌گیرند. همین موضوع موجب می‌شود که وابستگی به اکوسیستم نوآوری اسرائیل صرفاً محدود به خرید یک محصول نباشد، بلکه در لایه‌های عمیق‌تری از زنجیره فناوری جهانی شکل بگیرد.

البته این رابطه یک‌طرفه نیست. شرکت‌های چندملیتی نیز سرمایه، بازار جهانی و ظرفیت تولید صنعتی را در اختیار دارند که اکوسیستم اسرائیل به آن‌ها وابسته است. بنابراین، این رابطه بیشتر شبیه یک شبکه درهم‌تنیده از وابستگی متقابل است تا یک وابستگی یک‌طرفه.

صادرات ایده به جای کالا

اکوسیستم فناوری اسرائیل بیش از آنکه بر تولید کالا استوار باشد، بر تولید ایده و مالکیت فکری بنا شده است. هدف بسیاری از استارت‌آپ‌ها این نیست که حتماً به یک تولیدکننده بزرگ تبدیل شوند، بلکه این است که فناوری جدیدی خلق کنند و آن را در اختیار شرکت‌های بزرگ جهانی قرار دهند. براساس داده‌های گزارش موسسه IVC در سه ماهه اول ۲۰۲۶، ارزش خروج (Exit) شرکت‌های اسرائیلی به رکورد ۶۲ میلیارد دلار رسید که عمدتاً ناشی از فروش شرکت‌هایی مثل Wiz به گوگل (۳۲ میلیارد دلار) و CyberArk به پالو آلتو (۲۵ میلیارد دلار) بود. با این حال، اهمیت این معاملات تنها در ارقام مالی آنها نیست. آنچه معامله می‌شود محصول سال‌ها دانش، تجربه و نوآوری است که در زیست‌بوم فناوری اسرائیل شکل گرفته است.

نکته مهم‌تر این است که در اسرائیل، فروش یک شرکت یا مالکیت فکری آن معمولاً پایان مسیر نیست، بلکه شروع یک چرخه جدید است. بسیاری از بنیان‌گذاران پس از یک خروج موفق، سرمایه، تجربه و شبکه ارتباطی خود را وارد نسل بعدی استارت‌آپ‌ها می‌کنند. این اکوسیستم در یک چرخه تکرار شونده شکل گرفته است: «ساختن، واگذاری و دوباره ساختن». این چرخه باعث می‌شود نوآوری و کارآفرینی به‌طور مداوم بازتولید شود. در چنین مدلی، شرکت‌های بزرگ فناوری جهان فقط خریدار محصول یا خدمات نیستند بلکه به جریان دائمی ایده‌ها، استعدادها و فناوری‌هایی وابسته می‌شوند که از این اکوسیستم بیرون می‌آید. به بیان ساده‌تر، یکی از مهم‌ترین صادرات اسرائیل نه کالا، بلکه توان تولید نوآوری است و همین موضوع یکی از نقاط قوت اصلی این ساختار اقتصادی محسوب می‌شود.

یکی از پیامدهای کمتر دیده‌شده این مدل، شکل‌گیری نوعی نفوذ از طریق مالکیت فکری است. وقتی یک شرکت اسرائیلی توسط یک بازیگر بزرگ جهانی خریداری می‌شود، بخش مهمی از دانش فنی، معماری محصول، روش‌های توسعه و حتی تیم‌های تخصصی آن معمولاً همچنان در همان اکوسیستم باقی می‌مانند. در نتیجه، شرکت خریدار برای توسعه نسل‌های بعدی محصولات خود ناچار است به تعامل مستمر با همان شبکه دانشی ادامه دهد. این وضعیت نوعی وابستگی بلندمدت ایجاد می‌کند که فراتر از یک معامله تجاری ساده است.

از طرف ديگر، فعاليت شرکت‌های اسراییلی در حوزه‌های حساسی مثل امنيت سايبری، تحليل داده، رایانش ابری و سامانه‌های هوشمند دسترسى گسترده‌ای به داده‌ها، روندها، نیازها و چالش‌های فناورانه بازارهای جهانی فراهم می‌کند که همزمان زمینه‌ساز اشراف اطلاعاتی و رژیم بر سایر کشورها و خلق فناوری‌های جدید خواهد بود.

جذب حداکثری و ریزش حداقلی: مدیریت سرمایه انسانی در اسراییل

یکی از پایه‌های اصلی شکل‌گیری اکوسیستم فناوری اسراییل، توانایی آن در جذب، پرورش و تا حدی حفظ نیروی انسانی متخصص بوده است. این مدل در طول چند دهه بر دو محور اصلی شکل گرفته است: جذب مهاجران متخصص از جوامع یهودی سراسر جهان و شناسایی و پرورش استعدادهاى برتر در داخل سرزمین‌های اشغالی.

یکی از نمونه‌های مهم این رویکرد، موج مهاجرت یهودیان اتحاد جماهیر شوروی سابق در دهه ۱۹۹۰ است. در آن دوره، صدها هزار نفر به اسراییل مهاجرت کردند که بخش قابل‌توجهی از آنها تحصیلات دانشگاهی و تخصص‌های فنی در مهندسی، علوم پایه و فناوری داشتند. بسیاری از تحلیلگران معتقدند این موج مهاجرت، نقش مهمی در جهش علمی و صنعتی اسراییل در دهه‌های بعد داشته است.

در کنار مهاجرت، ارتش نیز نقش مهمی در شکل‌گیری سرمایه انسانی ایفا می‌کند. برخلاف بسیاری از کشورها که خدمت نظامی می‌تواند یک وقفه در مسیر شغلی افراد باشد، در اسراییل برخی یگان‌های تخصصی ارتش به بستری برای آموزش مهارت‌های فنی و مدیریتی تبدیل شده‌اند. یگان‌هایی مانند ۸۲۰۰، ۸۱ و ۹۹۰۰ علاوه بر مأموریت‌های نظامی، محیطی برای یادگیری کار تیمی، حل مسئله و مدیریت پروژه‌های پیچیده فراهم می‌کنند. بسیاری از فارغ‌التحصیلان این یگان‌ها بعدها وارد فضای استارت‌آپی می‌شوند و از شبکه‌های ارتباطی شکل‌گرفته در آن دوره برای راه‌اندازی کسب‌وکار و جذب سرمایه استفاده می‌کنند. در کنار این ساختار، برنامه‌هایی مانند «آتودا» (Atuda) نیز به ارتش کمک می‌کند استعدادهاى برتر را از سنین پایین شناسایی کرده و با حمایت آموزشی آن‌ها را به مسیرهای تخصصی هدایت کند. همزمان، دانشگاه‌های پژوهش‌محور اسراییل نیز نقش مهمی در تولید دانش پایه و تربیت نیروی متخصص دارند. بسیاری از فناوری‌های تجاری‌شده در حوزه‌هایی مانند نیمه‌رساناها، علوم زیستی، هوش مصنوعی و امنيت سايبری، ریشه در همین پژوهش‌های دانشگاهی دارند.

در مجموع، بخشی از راهبرد توسعه فناوری اسراییل را می‌توان در قالب شکل‌دهی به یک «دیاسپورای فناوری» جهانی فهم کرد. بسیاری از متخصصان و کارآفرینان اسراییلی پس از مهاجرت، ارتباط خود را با دانشگاه‌ها، صندوق‌های سرمایه‌گذاری، شتاب‌دهنده‌ها و شرکت‌های داخلی حفظ می‌کنند. این شبکه در عمل به پلی برای انتقال سرمایه، دانش و فرصت‌های تجاری بین اسراییل و مراکز نوآوری جهان تبدیل شده است. در کنار این روند، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، مؤسسات کاربایی تخصصی، شتاب‌دهنده‌ها و مراکز نوآوری وابسته به اکوسیستم اسراییل در مناطقی مانند سیلیکون‌ولی، نیویورک، لندن و سایر قطب‌های فناوری جهان فعال هستند. این نهادها علاوه بر کمک به توسعه کسب‌وکارهای اسراییلی، در شناسایی استعدادها، جذب نیروهای متخصص و ایجاد پیوند میان اکوسیستم اسراییل و بازارهای بین‌المللی نقش مهمی ایفا می‌کنند.

با وجود این موفقیت‌ها، اسراییل با چالشی روبه‌روست که بسیاری از اقتصادهای دانش‌بنیان دیگر نیز تجربه می‌کنند: مهاجرت نیروی متخصص به مراکز بزرگ فناوری جهان. برآوردها نشان می‌دهد صدها هزار متخصص اسراییلی در خارج از کشور، به‌ویژه در ایالات متحده، مشغول به کار هستند. این پدیده از یک سو مزایایی برای اسراییل به همراه دارد؛ زیرا بسیاری از این افراد در شرکت‌های بزرگ فناوری، صندوق‌های سرمایه‌گذاری و مراکز تصمیم‌گیری حضور دارند و به حفظ ارتباط اکوسیستم اسراییل با بازارهای جهانی کمک

می‌کنند. اما از سوی دیگر، افزایش مداوم مهاجرت متخصصان می‌تواند ظرفیت داخلی جذب و نگهداری استعدادها را تحت فشار قرار دهد. در چنین شرایطی، شبکه برون‌مرزی که امروز نقش پل ارتباطی را ایفا می‌کند، ممکن است به مقصد دائمی بخشی از سرمایه انسانی رژیم تبدیل شود.

جمع‌بندی

بررسی روندهای موجود نشان می‌دهد که قدرت اسرائیل در سال‌های اخیر بر دو پایه مکمل شکل گرفته است: از یک سو برتری نظامی، اشغال و کنترل سرزمینی؛ و از سوی دیگر نفوذ و سلطه از مسیر دانش، فناوری و سرمایه انسانی. اگر اشغال و ابزارهای سخت در دهه‌های گذشته بستر تثبیت موقعیت ژئوپلیتیکی اسرائیل را فراهم کرده‌اند، در شرایط جدید رژیم تلاش کرده با توسعه ظرفیت‌های علمی و فناورانه، ابعاد تازه‌ای از نفوذ و سلطه را به ساختار قدرت خود اضافه کند.

در این مسیر، رژیم تنها به تولید فناوری یا صادرات محصولات فناورانه اکتفا نکرده، بلکه تلاش کرده در بخش‌های کلیدی و اثرگذار زنجیره فناوری نقش اصلی را به دست بگیرد؛ جایی که سود و قدرت واقعی نه در تولید محصول نهایی، بلکه در مالکیت ایده، ثبت اختراع، الگوریتم‌ها، طراحی زیرساخت و تعیین مسیر توسعه فناوری قرار دارد. در این الگو، حتی وقتی یک فناوری به شرکت‌ها یا کشورهای فروخته یا منتقل می‌شود، بخش اصلی دانش، مالکیت فکری و توان توسعه نسخه‌های بعدی آن همچنان در اختیار صاحبان اولیه باقی می‌ماند. به همین دلیل، خریداران فقط مصرف‌کننده یک محصول نیستند، بلکه برای به‌روزرسانی، نگهداری، رفع مشکلات و توسعه‌های بعدی، ناچارند ارتباط خود را با صاحبان فناوری حفظ کنند. در نتیجه، نوعی وابستگی بلندمدت شکل می‌گیرد که فراتر از خرید یک محصول یا فناوری ساده است.

این رویکرد به تدریج نوعی «وابستگی دانش‌بنیان» ایجاد می‌کند؛ وابستگی‌ای که فقط جنبه اقتصادی ندارد و می‌تواند ابعاد امنیتی، اطلاعاتی و حتی سیاسی هم پیدا کند. در چنین شرایطی، برخی کشورها کم‌کم از تولیدکننده فناوری به مصرف‌کننده یا مونتاژکننده فناوری‌هایی تبدیل می‌شوند که دانش فنی، داده‌ها و مسیر توسعه آن‌ها در اختیار خودشان نیست.

در کنار این موضوع، اسرائیل طی سال‌های گذشته شبکه‌ای گسترده از متخصصان، کارآفرینان، مدیران فناوری و سرمایه‌گذاران در نقاط مختلف جهان شکل داده است. بسیاری از این افراد حتی پس از مهاجرت به آمریکا، اروپا و دیگر کشورهای پیشرفته، ارتباط خود را با اکوسیستم فناوری اسرائیل حفظ می‌کنند. همین موضوع باعث شده این افراد به پل ارتباطی میان شرکت‌ها، دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی و سرمایه‌گذاران جهانی با زیست‌بوم فناوری اسرائیل تبدیل شوند. در نتیجه، بخشی از جریان دانش، سرمایه، فرصت‌های فناورانه و حتی برخی اطلاعات راهبردی کشورها، از مسیر شبکه‌هایی عبور می‌کند که با ساختار فناوری اسرائیل پیوند خورده است.

در نهایت، تجربه اسرائیل نشان می‌دهد که قدرت در دنیای امروز فقط به توان نظامی یا کنترل سرزمین محدود نیست، بلکه از ترکیب قدرت سخت با دانش، فناوری و سرمایه انسانی شکل می‌گیرد. توان تولید دانش، تربیت نیروی متخصص و حضور در بخش‌های مهم فناوری جهانی، به اسرائیل این امکان را داده است که حتی بدون حضور مستقیم فیزیکی، نفوذ خود را در بازارها، صنایع و زیرساخت‌های فناورانه گسترش دهد. از همین رو، هر عاملی که بتواند روند جذب استعدادها، انتقال دانش، همکاری‌های فناورانه، گردش سرمایه یا ارتباط شبکه نخبگان را مختل کند، می‌تواند در بلندمدت بر توان نوآوری و میزان نفوذ فناوری اسرائیل اثر بگذارد.